کارگران همه کشورها متحد شوید !

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۷۰۹، دوره هشتم
سال بیستم، ۹ فروردین ماه ۱۳۸۴

زندگی در زیر خط فقر

درمیان مشکلات بی شماری که زنان میهن ما با آن روبرو هستند، مساله معیشت به ویژه برای زنان زحمتکش و زنان سرپرست خانوار به یک معضل جدی و لاینحل تبدیل گردیده است. در اواسط اسفند ماه سال گذشته ، سازمان بهزیستی کشور اعلام داشت، مستمری زنان سرپرست خانوار در سال ۱۳۸۴ سه برابر می شود. خبرگزاری ایسنا ضمن انتشار این خبر افزود: این میزان افزایش در راستای اجرای قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست، زنان خود سرپرست و سرپرست خانوار و ماده ۹۷ برنامه چهارم توسعه کشور که دولت موظف شد مستمری افراد زیر خط فقر را به میزان ۴۰ درصد حقوق و مزایای کارکنان دولت افزایش دهد، صورت پذیرفته است.

تبلیغ سه برابر شدن میزان مستمری زنان سرپرست خانوار و تاکید بر اینکه بر پایه برنامه چهارم توسعه سیاست فقرزدایی به اجرا گذاشته می شود و به ویژه زنان از حقوق و مزایای مناسب و مطابق با تورم برخوردار می شوند، از جمله دروغ های بزرگ و سخنان بی پشتوانه مسئولان و گردانندگان رژیم ولایت فقیه است. سازمان بهزیستی کشور میزان افزایش مستمری زنان را به تفکیک چنین مقرر کرده است، زنان تنها که هیچ خانواده ای را سرپرستی نمی کنند (زنان خودسرپرست) ماهیانه ۲۸ هزار تومان (خوب توجه کنید پس از سه برابر شدن) زنان سرپرست خانوار در خانواده های ۲ نفره، ۳۱ هزار تومان، زنان سرپرست

ادامه در صفحات ۲

در این شماره

مرتجعانِ به صحنه آمده برای انتخابات ۸۴

تدارک مرتجعان حاکم برای یکدست کردن کامل حاکمیت جمهوری اسلامی مراحل انتهایی خود را طی می کند. در پی انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی و تسخیر قوه مقننه توسط مشتی مزدور «ولی فقیه» و انصار تاریک اندیشی، سران رژیم، خود را برای تکرار این سناریو، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ آماده می کنند. در پس مانورهای گوناگون جناح های مختلف ارتجاع و اظهار نظرها و اعلامیه پراکنی های انواع گروه ها و انجمن های همچون قارچ روئیده که هیچ پایگاه اجتماعی ندارند، سیمای خیمه شب بازی تدارک دیده شده سران ارتجاع هر روز روشن تر می گردد. در حالی که شماری از اصلاح طلبان حکومتی به روشنی از امکان قوی رد صلاحیت نامزد جبهه مشارکت سخن می گویند، تلاش برای آماده کردن شرایط و روی کار آمدن یک رئیس جمهور «قدرتمند» که بتواند «گام های بزرگ» بردارد، ادامه دارد. در طی هفته های اخیر شماری از اظهار نظرها و موضع گیری ها در این زمینه حائز اهمیت بود. مصطفی تاج زاده، عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت، در زمینه امکان رد صلاحیت معین و دیگران از جمله گفت: «طرح مجدد معیارهایی مانند سوابق پیروی از ولایت و ولایت‌پذیری برای نامزدهای ریاست‌جمهوری که همزمان با ادعای دبیر شورای نگهبان درباره ضرورت تسلیم بودن رئیس‌جمهوری به رهبری مطرح می‌شود، با هدف زمینه‌سازی برای ردصلاحیت جدی‌ترین نامزد این دوره از انتخابات مطرح می‌شود.» تاج زاده در همین سخنان اشاره کرد که: «احتمال دارد، محافظه کاران و اقتدارگراها به خواست مرکزی خاص در مورد یک نامزد توافق کنند اما چه به اجماع برسند و چه نرسند، رأی‌آوری نامزد آنها به ویژه در مرحله اول ممتنع است، به همین دلیل اصلاح‌طلبان نگران نیستند مگر اینکه عده‌ای درصدد باشند، صلاحیت نامزد اصلی اصلاحات را رد و انتخابات را نمایشی کنند.»

سایت اینترنتی «امروز» در گزارشی خبر از انتخاب لاریجانی به عنوان نماینده رسمی «شورای هماهنگی نیروهای انقلاب» داد و نوشت: «شورای هماهنگی لاریجانی را به عنوان کاندیدای نهایی خود برگزید. عضو شورای مرکزی فراکسیون اصولگرایان مجلس هفتم گفت: شورای هماهنگی سرانجام علی لاریجانی را به عنوان کاندیدای نهایی این شورا، در نهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری برگزید. احمد بلوکیانی در جمع خبرنگاران پارلمانی گفت: شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، این تصمیم خود را پس از انجام حدود ۵۰ مورد نظرسنجی اتخاذ کرده است. بلوکیان تصریح کرد: اصولگرایان تصمیم خود درخصوص انتخابات علی لاریجانی را از روز سه شنبه به طور رسمی اعلام خواهند کرد.»

در پی این خبر ایسنا گزارش داد که لاریجانی در مراسمی که در کلاله انجام شده است برنامه های انتخاباتی خود را اعلام کرده است. در این خبر آمده است که: «لاریجانی در مورد قطعی شدن نامزدیش برای انتخابات ریاست جمهوری تاکید کرد: اینکه

ادامه در صفحه ۶

گزارش کوتاهی از مراسم ۸ مارس ۲۰۰۵ در ایران

امسال مراسم ۸ مارس، روز جهانی زن، در ایران، در سطح گسترده تری برگزار شد به طوری که امکان حضور در تمام برنامه ها برای علاقمندان میسر نبود. ضمن اینکه برنامه های خصوصی و غیر رسمی که طی سال های دراز برگزار می شد پا برجا بود زنان مبارز، با وجود همه دشواری های با برپایی مراسم گوناگون و مفصلی در تهران و شهرستان ها روز جهانی زن را به شایستگی در ایران برگزار کردند. در برگزاری مراسم امسال دو نکته جالب توجه به چشم می خورد، اولی پیوند جنبش زنان با جنبش دانشجوئی بود که در اغلب دانشگاه ها با برپایی مراسم و میزگردهای بسیار آموزنده، شاهد تلاش دختران و پسران دانشجو بودیم و دیگری برنامه های رسمی دولتی یا انجمن های زنان با همکاری سازمان های دولتی بود که جدای از انگیزه ها و فشارهای درونی و بیرونی و تبلیغات ریاست جمهوری، اصل برگزاری چنین مراسمی و پذیرفتن ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن گام مثبتی است. البته نکته قابل توجه دیگر هم ندادن مجوز برای برگزاری این روز در مکان های عمومی مثل فرهنگ سراها و پارک ها بود، که از قبل قابل پیش بینی بود.

گروه های زنان در مراسم ۸ مارس، در

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه» !

ادامه گزارش کوتاهی از مراسم ۸ مارس ...

تمام برنامه ها، مطالبات حق طلبانه خود را به بحث گذاشته و به میان توده های زنان بردند. برنامه هایی در ارتباط با «جنبش زنان و جنبش رفراندوم» بررسی مشارکت سیاسی، اجتماعی زنان ـ جنبش زنان در ایران، توهم، واقعیت ـ زنان کارآفرین و چالش های پیش رو ـ توسعه جنسیتی ـ عدالت جنسیتی، خشونت علیه زنان ـ زنان و رسانه ها ـ حقوق دختر بچه ها و.... برگزار شد. زنان شرکت کننده در برنامه «جنبش زنان و جنبش رفراندوم» در دانشگاه امیر کبیر (پلی تکنیک) خواهان تغییر قانون اساسی شدند و برای تغییر آن مهر تائید بر یک همه پرسی یا رفراندوم زدند. در مراسم دیگری کتابخانه مرکز فرهنگی زنان که به همت زنان علاقمند ایجاد شده است، افتتاح گردید و در مراسم افتتاحیه از زنان یاری دهنده تقدیر به عمل آمد.

ـ کتابخانه تخصصی زنان با ۲۴۰۰ جلد کتاب، در زیر زمینی قرار دارد که مشرف به حیاط نسبتا بزرگی است، دو تئاتر فوق العاده پر محتوا در حیاط کتابخانه زیر نم باران اجرا شد که بسیار مورد توجه قرار گرفت و بار دیگر نشان داد که زنان این توانائی را دارند که از حداقل امکانات حداکثر استفاده را ببرند.

ـ انجمن زنان کار آفرین دو روز همایش داشتند که با همکاری چند نهاد دولتی برگزار شده بود و در آن وزیر کار و معاون وزیر اقتصاد و دارائی نیز سخنرانی کردند و اعتراف کردند که هنوز جرئت ذهنی انجام بسیاری از فعالیت های مثبت در رابطه با زنان را ندارند در این همایش زنان کارآفرین از تجربیات خود و چالش های پیش رو سخن گفتند و سفره دل هایشان را گشودند که در این مملکت حتی اگر بخواهی تمام دار و ندارت را بفروشی که مولد باشی و از تمام خلاقیت هایت استفاده کنی باید از هزار خوان رستم بگذری که اغلب این موانع توسط سازمان های دولتی و حکومتی بوجود آمده است.

ـ در انجمن روزنامه نگاران زن حول سه محور ـ حقوق زنان و دختر بچه ها ـ حقوق سیاسی زنان و حقوق اقتصادی و توسعه جنسیتی و توسعه پایدار میزگردی تشکیل شد که نشان داد در یک سال گذشته نه تنها در زمینه مسائل زنان پیشرفتی نداشته ایم بلکه پس رفت هایی نیز به صورت روشن بچشم می خورد و در پایان بیانیه انجمن قرائت شد.

ـ تشکل زنان اسفند که همه ساله درفرهنگسرای ارسباران برنامه های مفصلی را برگزار می کردند امسال در سینما ایران برنامه داشتند که به علت فضای محدود آن بسیاری از زنان نتوانستند در آن شرکت کنند.

ـ در یکی از برنامه های روز زن که با حضور حدود ۵۰ نفر از زنان تهران تشکیل شد موضوع بحث، ماهیت سازمان های غیر دولتی (ن.جی.اوز) و امکان بهره وری سرمایه داری از چنین سازمان هایی برای منحرف کردن مبارزات توده های مردم و فعالان سیاسی بود. که بحثی بسیار ریشه ای و اساسی در حرکت های مبارزاتی مردم در شرایط فعلی است. این بحث به منظور حساس سازی و هشیاری زنان در فعالیت های اجتماعی تدارک دیده شده بود.

ـ تشکل صندوق دوستی، مراسم بسیار دلنشینی داشت که با حضور زنان و خانواده هایشان برگزار شد و با اجرای موسیقی و تئاتر ادامه یافت.

در این برنامه میزگردی حول موضوع فقر زنان و توانمندی های آنان برگزار شد و دو تن از زنان کارآفرین معرفی شدند.

ـ مراسمی با حضور زنان کارگر در جنوب شهر تهران برگزار شد که با یک نظر سنجی شفاهی مشخص گردید حتی یک نفراز آنان از وجود چنین روزی اطلاع نداشتند. در این برنامه درباره تاریخچه ۸ مارس مطالبی ارائه شد که بسیار مورد توجه قرار گرفت و زنان کارگر از حق و حقوق خود و لزوم مشارکت فعال و موثر در احقاق آن سخن گفتند.

به طور کلی گروه های زنان در ایران حول ۱۲ محور که دغدغه های زنان جهانی نیز می باشد و کنفرانس پکن ۱۹۹۵ نیز آن ها را طبقه بندی کرده، برنامه هایی داشتند که به شرح زیر می باشد:

۱. زنان و فقر، ۲. زنان و بهداشت، ۳. آموزش و پرورش زنان، ۴. خشونت علیه زنان، ۵. زنان و مناقشات مسلحانه، ۶. زنان و اقتصاد ، ۷. زنان در قدرت و تصمیم گیری، ۸. ساز و کارهای نهادین برای پیشرفت زنان، ۹. حقوق بشر زنان، ۱۰. زنان و رسانه ها، ۱۱. زنان و محیط زیست، ۱۲. حقوق دختر بچه ها

ادامه زندگی در زیر خط فقر ...

خانوار در خانواده های ۳ نفره ۳۷ هزار تومان و خانواده های ۴ نفره و خانواده های ۵ نفره به بالا به ترتیب ۴۲ هزار تومان و ۵۳ هزار تومان ! درسال گذشته زنان سرپرست خانوار در خانواده های ۵ نفر به بالا حدود ۱۸ هزارتومان دریافت می کردند و اینک این خانواده ها ۵۳ هزار تومان در ماه دریافت می کنند. مقایسه این ارقام با واقعیتهای کنونی جامعه ما،بویژه با مدنظر قراردادن بحران اقتصادی ژرف و افزایش نرخ تورم، بیانگر چه حقیقت تلخی است؟ !

خبرگزاری ایسنا در ۲۳ اسفند ماه پارسال گزارش داد،دریک آمارگیری، هم اکنون بیش از ۲۳۵ هزار زن خودپرست و سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور قرار دارند. از این تعداد فقط ۱۵۰ هزار نفر بدون در نظرگرفتن تعداد اعضای خانواده، مستمری دریافت می کنند و بقیه یعنی تقریباً نزدیک به نیمی از این سرپرستان خانواده صرفاً از خدمات مشاوره ای و کمک های موردی نظیر وام و دفترچه بیمه خدمات درمانی استفاده می کنند.

به این ترتیب از این مستمری اندک و بسیار ناچیز فقط بخشی از زنان تهدیست و زحمتکش بهره مند هستند. این میزان مستمری ماهیانه بی هیچ رو، کفاف حتی یک زندگی حداقل را هم نمی دهد. چنین درآمدی در ماه برای زنان محروم و زحمتکش به معنای زندگی در بدترین و ناگوارترین وضعیت است. دراواخر اسفند ماه، پیش از آغاز سال نو ، هنگامیکه شورای عالی کار برای تامین منافع کلان سرمایه داران حداقل دستمزد زحمتکشان را برای سال ۸۴،۱۵ درصد افزایش داد، خبرگزاری ایلنا که رسانه ای وابسته به رژیم ولایت فقیه است،اعتراف کرد، خط فقر براساس تورم رسمی کشور (دقت کنید تورم رسمی که همواره پایین تر از نرخ واقعی اعلام می شود) زیر مبلغ ماهیانه ۲۵۰ هزارتومان است. چگونه زنان سرپرست خانوار مثلاً در خانواده های ۴ و ۵ نفره با مستمری ماهیانه ۴۲ و ۵۳ هزار تومان می توانند چرخ زندگی را به گردش در آورند و خانواده های خود را تامین کنند و حداقل ممکن را برای بویژه کودکان و نوجوانان فراهم آورند. برای پی بردن به اوضاع تلخ و دردناک زنان محروم و خانواده های تحت سرپرستی آنان نگاهی به آمار اخیر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ضرور است. روزنامه دنیای اقتصاد به تاریخ ۱۰ اسفند ماه سال گذشته گزارش بانک مرکزی در خصوص شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی را انتشار داد؛مطابق این گزارش در دی ماه سال ۱۳۸۳ شاخص بهای گروه مسکن، سوخت و روشنایی نسبت به ماه قبل یعنی آذرماه همان سال افزایش داشته است. بانک مرکزی با تاکید اعلام کرده است شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در ۱۰ ماه سال ۱۳۸۳ نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۵ درصد افزایش را نشان می دهد. حال با توجه به این گزارش رسمی و افزایش نرخ تورم به بیش از ۱۵ درصد فقط طی ۱۰ ماه، با ۵۳ هزار تومان در ماه چگونه باید زندگی کرد. دریک آمار رسمی دیگر که خبرگزاری ایسنا به تاریخ ۲۵ اسفند ماه از سوی مدیر عامل سازمان میادین میوه و تره بار شهرداری تهران انتشار داد،نوشت: «قیمت میوه نسبت به سال گذشته ۱۵ تا ۲۰ درصد افزایش یافته است، میانگین قیمت میوه در سال گذشته در میادین شهرداری (که معمولاً ارزان تر می باشد) ۴۰۰ تومان بود که این رقم به ۵۵۰ تومان رسیده است.»

با حقوق و مستمری تعیین شده آیا کودکان خانواده های زیر سرپرستی زنان که تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند، این امکان را دارند، به میوه و غذا و تغذیه مناسب دسترسی داشته باشند؟ ! پاسخ قطعاً منفی است با درآمدی زیر خط فقر رسمی کشور درمان،بهداشت و تغذیه مناسب آرزوی دست نیافتنی است !

کوتاه سخن: سیاست های اتخاذ شده در سال های اخیر، بر خلاف همه قول های داده شده متناسب و منطبق با واقعیتهای امروز میهن ما نیست و در آن عدالت اجتماعی به عنوان یکی از اهداف اصلی جنبش مردمی جایی ندارد. سمت گیری اقتصادی، اجتماعی رژیم ولایت فقیه که در برنامه چهارم توسعه نیز همانند گذشته به سود کلان سرمایه داران و تامین امنیت سرمایه است،بیش از گذشته زندگی زنان محروم و زحمتکش ایران را تحت شعاع قرار داده و درتنگنا می گذارد.

واردات بی رویه تولید ملی را تهدید می کند

کمتر روزی است که رسانه های همگانی در جمهوری اسلامی از تعطیلی و ورشکستگی کارخانه ها و مراکز تولیدی و صنعتی خبری منتشر نسازند. طی نزدیک به یک دهه گذشته، سیل بنیان کن واردات خارجی، بنیه تولید ملی را تضعیف کرده و سبب ژرفش بحران اقتصادی در ابعادی بی سابقه شده است.

کفش چینی، پولاد از کشورهای آسیای میانه، لباس و پارچه ترکیه، لوازم خانگی خارجی که از جنوب خلیج فارس به شکلی سازمان یافته وارد بازار داخلی می گردد، و مراکز صنعتی و تولیدی کشور را با رکود و تعطیلی روبرو ساخته است.

به بیان روشن عده ای تاجر ثروتمند با حمایت کامل ارگان های حکومتی، اقتصاد ملی را به بهای انباشت ثروت های میلیاردی،تخریب کرده و پایه های مادی کشور را فرسوده می سازند. درهفته های پایانی سال گذشته خبرگزاری ایلنا گزارش داد، با تعطیلی ۴ هزار واحد سنگ بری، بیش از ۱۰۰ هزار شاغل بیکار خواهندشد. دراین خصوص انجمن صنفی مدیران کارخانه های سنگ بری استان فارس طی نامه ای از جمله خاطرنشان ساختند: «درسال جاری متاسفانه هیات وزیران مجدداً سنگ را در فهرست مشمولین عوارض ۳ درصدی سال آینده قراردادکه این موضوع باعث اعتراض تمامی واحدهای فرآوری سنگ کشور شده است. . . درصورتی که هیات وزیران سنگ های ساختمانی را از لیست مشمولین عوارض سال ۸۴ حذف نکنند. . . امکان تعطیلی تمامی واحدهای فرآوری سنگ کشور در سال آینده وجود دارد که این به معنای تعطیلی بیش از ۴ هزار کارخانه سنگ بری و بیکاری مستقیم و غیرمستقیم ۱۰۰ هزار نفر خواهد بود.» در بخش پایانی این نامه اعتراضی به درستی تاکید گردیده: «بازار فروش سنگ دارای مشکلات فراوانی شده و به دلیل واردات انواع سنگ های خارجی به ویژه از کشور چین تولید کنندگان داخلی در وضعیتی بحرانی بسر می برند و اخذ عوارض و مالیات های بی رویه از این صنعت، می تواند باعث نابودی آن گردد.»

افزون براین، در اواسط اسفند ماه گذشته، ده ها تن از تولیدکنندگان خُرد (تولیدکنندگان داخلی) طی نامه ای به دفتر ریاست جمهوری و وزارت خانه های صنایع و معادن، خواستار حمایت دولت از تولید ملی شدند. این نامه زمانی انتشار یافت که به علت واردات بی رویه شیرآلات بهداشتی، صنایع تولیدی شیرآلات بهداشتی در منطقه پاکدشت درآستانه ورشکستگی کامل قرار گرفته و ۵ هزار کارگر در خطر بیکاری قرار گرفته اند.

بازرس صنایع شهرک صنعتی عباس آباد پاکدشت در جریان گردهمایی تولیدکنندگان و مدیران این صنایع که همگی از زمره تولیدکنندگان کوچک صنعت ایران هستند با صراحت یادآوردشد: «عده ای با اهداف سودجویانه، اقدام به واردکردن قطعات شیرآلات ساخت چین و کره جنوبی نموده و آن ها را در داخل مونتاژ می کنند و به اسامی مختلف وارد بازار می نمایند،. . . با ادامه این روند طولی نخواهد کشید که صنعت مذکور به نابودی کشیده شده و حدود ۵ هزار کارگر در منطقه پاکدشت از کار بی کار می شوند و ضمن آن دهها کارفرمای (خُردپا) دچار ورشکستگی خواهند شد، . . . جا دارد وزارت صنایع در خصوص واردات محصولات صنعت شیرآلات . . . ورود آن ها را به گونه ای تحت کنترل قراردهد. » و این تمام ماجرا نیست،هر عرصه ای از صنعت ملی و تولید داخلی را درنظر بگیرید با این مشکلات دست به گریبان است. درتاریخ ۲۳ اسفند ماه سال ۸۳ ، خبرگزاری ایسنا گفت وگوی مدیرعامل شرکت تعاونی شوینده، آرایشی و بهداشتی را منتشر ساخت. وی به ایسنا می گوید: «درچند سال گذشته برخی ارگان هایی که دستی در تجارت خارج کشور دارند (بخوان سپاه، بنیادهای انگلی و آستان قدس رضوی) از هند و عربستان پودر رختشویی تاید وارد کردند. . . اقلامی که وارد می شوند از پاکستان و ترکیه است آیا کارخانه های ساخت این اقلام مورد بازدید موسسه استاندارد قرارگرفته اند . . . چرا تنها محصول داخلی باید کنترل شود . . . به عنوان نماینده ۲۱۱ کارخانه شوینده، بهداشتی و آرایشی در ایران به جرات اعلام می کنم که هیچ چیز کم نداریم و تکنولوژی و دانش فنی، افراد زبده،متخصص در اختیار داریم،تنها باید موانع را از مقابل پای تولیدکنندگان داخلی برداریم تا بتوانیم مملکت را به جایی برسانیم که چین در برابر ما در بازار به زانو درآید.»

وی سپس ادامه داد: «عقودی که ۱۴۰۰ سال پیش تعریف شده (اشاره به بانکداری اسلامی است) برای ما بسیار محترم است،اما در سیاست های کلان بانکی جوابگو نیست،بهره بانکی در تولید عامل بازدارنده شده است.»

همچنین در همین خصوص رییس اتحادیه صادرکنندگان لوازم خانگی هنگام برپایی نمایشگاه تخصصی محصولات داخلی به خبرنگار ایسنا یادآوردشد: «تولیدات داخلی به لحاظ کمی هیچ مشکلی ندارند و تعداد کارخانه ها به حدی است که قادر به تولید و تامین نیاز جامعه هستند، ولی واردات خارجی از کشورهای مختلف تولیدکنندگان داخلی را در آستانه ورشکستگی قرارداده است، بعلاوه نرخ سود بانکی و تجمیع عوارض باعث نابودی تولید شده است.» به این ترتیب در سایه حکومت فرزندان تجار آنچنان که حداد عادل به خود و همفکرانش لقب داده است،صنعت کشور درپای اقتصاد دلالی و منافع سرمایه داری تجاری در حال نابودی کامل است.

درچنین اوضاعی و با توجه به عوارض و مالیات های سنگین که برای تولیدکنندگان کوچک وجود دارد، نمایندگان مجلس هفتم لایحه بودجه کل کشور را به شکلی تغییر داده اند که بیشترین سهم به بنیادها و بطورکلی دلالان می رسد. به عنوان نمونه مدیر کل دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه ریزی در گفتگو با خبرگزاری ایسنا ضمن تشریح آخرین وضعیت بودجه سال ۱۳۸۴ خاطرنشان کرد بودجه کل کشور با تغییرات مجلس به نسبت به رقم مندرج درلایحه حدود ۴۵ هزار میلیارد ریال ۹/۲ درصد افزایش یافت. این مقام مسئول اضافه کرد: هزینه های جاری مجموعاً درحدود ۱۴ هزار میلیارد ریال افزایش یافت که عمده افزایش آن مربوط به سازمان های حمایتی (بخوان عمدتاً بنیادهای انگلی و مروج اقتصاد دلالی) بوده است به عنوان مثال ۲۱۶۸ میلیارد ریال به اعتبار کمیته امداد خمینی و ۶۰۰ میلیارد به اعتبار بنیاد شهید اضافه شده است. آری تولید کنندگان ملی و داخلی و بطور کل صنایع داخلی باید زیر فشار واردات همین بنیادها که از حمایت دولتی برخوردار هستند و از بودجه کل کشور تغذیه می کنند،از پا در آمده و ورشکسته شوند.

حمایت و تقویت تولید ملی و توسعه صنعت از مهمترین اولویت های رشد و شکوفایی اقتصاد ملی به شمار می روند. تجربه سال های اخیر به کرات نشان داده است که سیاست های رژیم ولایت فقیه درست در مقابل این امر قرار دارد،بنابراین افشا و مبارزه با این سیاست ها به نحوی پیگیر وظیفه ای درنگ ناپذیر است.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران !

روز اعتراض جهانی بر ضد «جنگ و اشغال»

«نه» مردم جهان به سیاست های بوش و تونی بلر!

پایتخت های ده ها کشور جهان از اروپا تا آمریکای شمالی و از آسیا تا اقیانوسیه در روز های۲۹ اسفندماه و اول فروردین (۱۹ و ۲۰ مارس)، در دومین سالگرد حمله نظامی امپریالیسم به عراق و اشغال این کشور، به صحنه تظاهرات اعتراضی میلیون ها نفر از فعالان جنبش ضد جنگ تبدیل شد. زحمتکشان و روشنفکران، بازنشستگان و سازمان های جوانان، انقلابیون کمونیست و فعالان محیط زیست با شعار های «به اشغال عراق پایان دهید». در یکی از وسیع ترین تظاهرات ضد جنگ سال های اخیر شرکت کردند. پیام مردم جهان مشخص و صریح بود: سیاست های جنگ طلبانه به هر بهانه ای مورد حمایت زحمتکشان و نیروهای دموکراتیک نیست. نیروهای مترقی و طرفدار صلح در آمریکا با سازماندهی ۸۰۰ تظاهرات رنگارنگ، شعارهای انساندوستانه و ضد جنگ خود را در سراسر قلمرو وسیع این کشور گستراندند. در ژاپن و استرالیا هزاران نفر به خیابان ها آمدند و برضد سیاست دولت های حاکم در حمایت فعال از اشغال عراق اعتراض کردند.

در سوئد صدها تظاهر کننده با شعار «آمریکا از عراق خارج شو» در میدان سرگل استکهلم گردهمایی موفقی را سازمان دادند. در رم، اسلو (نروژ)، پاریس و ۹ شهر بزرگ اسپانیا نیز تظاهرات ضد جنگ برگزار شد.

در نیکوزیا در تظاهرات برضد سیاست های جنگ طلبانه آمریکا که به ابتکار حزب «آکل» سازماندهی شده بود، صفوف منظم و مصمم زحمتکشان و ترقی خواهان در حالی که رفیق «دیمتریس کریستوفیاس»،رهبر حزب برادر و سخنگوی پارلمان این کشور و همچنین تعدادی از شخصیت های سیاسی کشور در راس آن بودند، در مقابل سفارت آمریکا تظاهرات کردند.

در استانبول ۱۵۰۰۰ تظاهر کننده در منطقه کادیکوی گردآمده و بر ضد حضور آمریکا در عراق اعتراض کردند. در شهر آدانا، در جنوب ترکیه، که پایگاه نظامی آن محل استقرار نیروهای آمریکایی می باشد، تظاهر کنندگان به اعتراض بر ضد نقش آمریکا در جنگ یک تاج گل سیاه در مقابل کنسولگری آمریکا در این شهر قرار دادند. در صوفیه، پایتخت بلغارستان، هزاران تن از مردم این کشور و از جمله اعضاء و هواداران اتحادیه بازنشستگان، حزب کمونیست بلغارستان، جامعه عراقی های بلغارستان و سازمان های دانشجویی و جوانان برضد شرکت دولت این کشور در ادامه اشغال عراق اعتراض کردند. بزرگترین تظاهرات ضد جنگ در لندن برگزار شد. نزدیک به ۲۰۰/۰۰۰ نفر در تظاهرات اعتراضی لندن خواستار خاتمه اشغال عراق و خروج ارتش های اشغالگر از این کشور شدند.

تظاهرات لندن که از منطقه «هاید پارک» شروع شده بود، در مسیر خود از مقابل سفارت آمریکا در میدان گرازونور قرار دارد، و بدلیل این تظاهرات در حلقه پلیس و نیروهای امنیتی انگلستان قرار گرفته بود، گذشت. این تظاهرات به دعوت «ائتلاف برای توقف جنگ» و با حمایت «کارزار برای خلع سلاح اتمی» و «جامعه مسلمانان انگلستان» تدارک شده بود و مورد حمایت یکپارچه اتحادیه های کارگری و همه نیروهای سیاسی مردمی و صلح طلب قرار گرفت. در گردهمایی ای که در انتهای تظاهرات در میدان ترافالگار لندن برگزار شد ، پلاتفرم متنوعی از سخنرانان شامل رهبران سیاسی چپ و ترقی خواه، فعالان جنبش صلح، خانواده نظامیان کشته شده در جنگ و سران اتحادیه های کارگری سخنرانی کردند.

بیانیه تظاهرات خواستار کنار گذاشتن «دکترین جنگ های پیش گیرانه» از سوی آمریکا و انگلیس شد. در این بیانیه که مورد خطاب آن به جورج



بوش و تونی بلر بود، سران دولت های آمریکا و انگلیس فرا خوانده شدند که «تاریخی برای خروج سریع ارتش های خود از عراق تعیین کنند و حق حاکمیت کامل و غیر مشروط مردم عراق را اعاده کنند.» دبیر کل اتحادیه استادان دانشگاه در سخنرانی خود متذکر شد: «آنچه مورد نیاز است جنگ برضد فقر است و این جنگی است که ارزش جنگیدن دارد. » «سیاست اتحادیه های کارگری متوجه خروج سریع نیروهای اشغالگر از عراق است.» تونی بن، از رهبران سرشناس جناح چپ و ترقی خواه حزب کارگر انگلیس، در سخنرانی خود اشاره کرد که دنیای کنونی توسط یک گروه معدود اداره می شود اما ۹۹ درصد مردم جهان در امید به صلح هم باور هستند. او گفت: «جنگ غیر قانونی و غیر اخلاقی است. پولی که صرف جنگ می شود، در حقیقت خیانتی به مردم سراسر جهان است. ما خواستار خروج ارتش ها از عراق هستیم. ما به جنگ برضد ایران و یا سوریه نه می گوئیم. ما خواستار آزادی فلسطین می باشیم.»

هواداران و اعضای سازمان های چپ و مترقی ایرانی و از جمله حزب توده ایران در تظاهرات اعتراضی در پایتخت های اروپا و شهرهای مختلف آمریکا شرکت فعال داشتند. در لندن صدها شعار «نه به حمله به ایران» توسط تظاهرکنندگان حمل می شد. در اقدامی که از سوی «کمیته دفاع از حقوق مردم ایران» (کودیر) در هماهنگی با رهبری «ائتلاف برای توقف جنگ» سازمان داده شد، بیانیه این سازمان ترقی خواه و باسابقه توسط رفیق اندرو موری، رهبر جنبش ضد جنگ انگلیس قرائت شد. در این بیانیه مخالفت نیروهای آزادی خواه و دموکرات ایرانی با سیاست های تجاوزگرانه ایالات متحده مورد تائید قرار گرفت. در بخش هایی از بیانیه به تاریخ مداخلات آمریکا در قبال میهن مان و از جمله سازماندهی کودتای ارتجاعی ۲۸ مرداد بر ضد دولت ملی و دموکراتیک دکتر مصدق اشاره گردیده است. بیانیه «کودیر» که با استقبال یکپارچه بیش از صد هزار فعال صلح در میدان ترافالگار گرد آمده بودند، روبرو شد در ادامه متذکر شد که: «حمله به ایران نه تنها کمکی به جنبش دموکراسی خواهی در ایران نمی کند، بلکه با ویران کردن کشور، به شرایط زندگی مردم عادی لطمه های جدی وارد می کند. ما به عنوان بخشی از جامعه خواستار تحول در ایران، هرگونه حمله گسترده یا محدود با هدف قرار دادن تأسیسات هسته یی یا مراکز سیاسی کشور را در نهایت به ضرر مردم ایران می دانیم.»

مارکسیسم از منظر سده بیست و یکم

در روز ۲۳ اسفند ماه (۱۳ مارس)، به دعوت کمیته برگزار کننده بزرگداشت کارل مارکس، اندیشمند بزرگ و معلم مبارزان راه طبقه کارگر، مراسمی در گورستان «های گیت» لندن و بر مزار کارل مارکس برگزار شد. سخنران ویژه مراسم امسال رفیق هانس مودرو، رهبر پیشین جمهوری دموکراتیک آلمان و دبیر اول افتخاری حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان، بود. هیئت های نمایندگی از سفارت خانه های کوبا، چین، ویتنام، لائوس، جمهوری دموکراتیک خلق کره و سازمان های احزاب کمونیست - کارگری در این مراسم شرکت داشتند. به دعوت کمیته برگزار کننده مراسم بزرگداشت مارکس و حزب کمونیست انگلیس، هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران، نیز در این مراسم شرکت داشت. مراسم با سخنان کوتاه رفیق آنیتا هالکین، عضو کمونیست شورای عمومی مرکز اتحادیه های کارگری انگلیس، و مسئول مراسم بزرگداشت و پس از آن سخنرانی کوتاه رفیق «رابرت گریفیث»، دبیرکل حزب کمونیست انگلیس آغاز شد. پس از آن رفیق مودرو سخنرانی مفصلی درباره موضوعیت داشتن مارکسیسم در ابتدای قرن ۲۱ ایراد کرد. در انتها هیئت های نمایندگی حاضر با نثار تاج گل هایی به مقبره مارکس، نسبت به این رهبر بزرگ جنبش کارگری ادای احترام کردند. در ادامه فرازهای اصلی متن سخنرانی رفیق هانس مودرو در مراسم صد و بیست و دومین سالگرد درگذشت کارل مارکس برای اطلاع خوانندگان نامه مردم منعکس می گردد.



رفیق هانس مودرو (در حال سخنرانی) و رفیق گریفیث

امسال صدوبیست و دومین سالگرد درگذشت کارل مارکس است. در آغاز صده ی بیست و یکم، باید از خود بپرسیم که این اندیشمند آلمانی و انقلابی دنیا در سده نوزدهم، در مورد امروز چه می گفت و چه راه کاری را برای آینده نشان می داد. اوهنوز در خاطره میلیونها انسان زنده است. این در آمارهای گرفته شده در کشورهای مختلف نمایان است. در آمار مهم تلویزیونی در آلمان، مارکس در لیست برترین شخصیت های آلمانی ها جای سوم را اشغال کرد. سده بیستم زمانی سده پیروزی اندیشه های مارکس به نظر می رسید. در سال ۱۹۱۷، انقلاب کبیر در روسیه به پیروزی رسید و در نیمه دوم سده، جامعه هایی که آنها را سوسیالیسم واقعاً موجود می دانیم در مرکز و شرق اروپا پدید آمدند. هستی اتحاد شوروی و سوسیالیسم حقیقی پایان یافته و هنوز کنکاش ما پیرامون دلایل پیدایش این پدیده ادامه دارد. برای آن که از اشتباهات و خطاهای جدید اجتناب کنیم نباید از داشتن بینش های نو در مورد سوسیالیسم واهمه داشته باشیم. سرمایه جهانی شده که مارکس آن را پیش بینی کرده بود هم اکنون بقای بشریت را بر روی کره زمین به خطر انداخته است. سازواره های تسلیحاتی که می توانند ما را از بین ببرند در حال گسترش هستند و مسابقه برای کسب حداکثر سود به استثمار بی رحمانه، نابودی محیط زیست و تهی سازی منابع طبیعی منجر گردیده است. ایالات متحده برای شکست ناپذیر کردن حاکمیت خود تلاش می کند. مارکس و انگلس ابزار نظری برای شناخت سرمایه داری و تناقضات آن را در اختیار ما قرار داده اند. ما باید شهامت و دورنگری آن را داشته باشیم که بر مخالفت، تحریف و کینه ورزی چیره شویم. این به معنای آن نیست که چون گذشته مارکس خودمان را پیدا کنیم و از او شمایلی مقدس بسازیم. مارکس انقلابی در کارزار مبارزه با استثمار افزایش یابنده، فقر و خشونت در کره ی زمین در قرن بیست ویکم هنوز همیار ما است.

مارکس در آثارش به ویژه کتاب کاپیتال، گنجینه گرانبهایی از دانش از خود باقی گذاشته که می توان آنها را به کار بست و گسترش داد. ما باید خود را با گستره ی کار جامع او در تحلیل نقادانه فلسفه، مکتب های اقتصاد ملی، نظریه ها و الگوهای ابتدایی سوسیالیستی، روندهای مشخص تاریخی، شامل رشد طبیعی علم، و دانش بیکران و آگاهی ژرف از هنر و فرهنگ، آشنا سازیم.

این همچنین باید هشداری باشد که خود را از داشتن دید تنگ نظرانه حفظ کنیم و به سان مارکس، خود را مستلزم به داشتن نگاهی عینی، دقیق و همه جانبه به پدیده ها نماییم همچنان که باید از دیگران نیز بیاموزیم. مارکس هنگامی که ۱۷ ساله بود برگه ی پایان نامه تحصیل دوره ی دبیرستانی خود را بنام «تأملات یک جوان در انتخاب حرفه » نوشت. در این نوشته او می گوید: اگر ما در زندگی جایگاهی را انتخاب کنیم که از آن جا بیش از همه بتوانیم به انسانیت خدمت کنیم سنگینی هیچ باری کمر ما را خم نخواهد کرد زیرا این گونه خدمت، فداکاری در منافع همگان است، از آن پس ما به خوشی های کم اهمیت، محدود و خودخواهانه قانع نخواهیم شد بلکه شادکامی ما از آن میلیون ها انسان دیگر خواهد بود، عملکردهای ما به آرامی و لیکن پیوسته ادامه خواهند یافت و اشک های جوشان انسان های کاملبر خاکستر ما فرو خواهد افتاد.

مارکس از فلاسفه می خواست که نه فقط به تفسیر جهان بپردازند بلکه با بینش خود به دگرگونی آن یاری رسانند. او طبقه کارگر را که جز زنجیرهای خود چیزی برای از دست دادن ندارد نیروی اصلی برای دگوگونی می دید و بر این باور بود که این طبقه همه ی آن توانایی های ضرور برای هدایت جهان در سمت نظام اجتماعی و سیاسی نوین را در خود دارد. و به همین سان به ضرورت ارزیابی شرایط تاریخی و کنونی که نیروهای انقلابی بر بستر آن بتوانند چنین رسالتی را عملی سازند اعتقاد داشت. کارل مارکس و رفیق هم رزمش، انگلس، توانستند برنامه و ارزیابی مدون خود را به مرحله ی نوینی برسانند. بر بستر دست آوردهای انقلاب های میانه سده نوزده و کمون پاریس، مارکس و انگلس در باره ی نیروهای محرکه و پیوندهای فاقد انسجام در تاریخ اروپا به نظرگاهی نوین دست یافتند. هنوز تفسیر مارکس در باره ی وضعیت سرمایه داری که در همان زمان ارائه داد به قوت خود باقی است. به هررو، آغاز سده بیست و یکم، ما را با ضرورت هایی در سطح جهان روبرو کرده است. این ضرورت ها به تحلیل و اشکال همبستگی نوینی نیاز دارند. حتی اگر فراخوان به کارگران جهان منسوخ شده به نظر می رسد، اصول پایه یی همبستگی در مبارزه برای عدالت اجتماعی و پایان بخشیدن به استثمار و اختناق ماندگار هستند. رویهم ر فته، اندیشه نیاز به دنیایی دیگر گسترش می یابد و اعتقاد به این که جهانی دیگر امکان پذیر است گام به گام فراگیرتر می شود. تنها مدت کوتاهی پیش، نه تنها صدها هزار تن در همایش اجتماعی جهانی در شهر پورتو الگره در برزیل، در تظاهراتی شکوهمند شرکت کردند بلکه در هزاران بحث گروهی پیرامون این که مبارزه های اجتماعی کنونی چگونه می توانند به پیروزی رسند و چه می توانند برای آینده به ارمغان بیاورند. اکنون آنها بینش ضرورت دستیابی به جهانی دیگر را کسب کرده اند. بحث بر آن است که این بینش چگونه باید و می تواند تحقق یابد. مارکس برای گشایش این گره نه طرحی و نه الگویی به جای گذاشته است. آن چه که داریم کشفیات او در سازوکار سرمایه داری و اسلوب ها و اشکال رشد آن و مسائل انقلاب هستند و این که چگونه می توان سرمایه داری را سرنگون کرد. مارکس و انگلس در مانیفست حزب کمونیست ما را با جنبش های سوسیال دموکراتیک و کمونیستی سده های هجده و نوزده و ایستادگی و گذار از مرحله سرمایه داری به نظام سوسیالیسم جهانی آشنا ساختند. برخی از واژه ها از آن دوران منسوخ شده و برخی دیگر در فرآیند چنین سرنوشتی قرار دارند. اما عناصر پایه ای هنوز دارای اعتبار هستند. ساختارهای اجتماع

ادامه در صفحه ۶

ادامه مرتجعان به صحنه آمده ...

شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اینجانب را برای نامزدی در انتخابات معرفی کرده است قطعا در صحنه انتخابات حضور خواهم داشت. » لاریجانی درباره اینکه شیوه عملکرد دولت وی در آینده چگونه خواهد بود به وجود برخی مشترکات درعملکرد دولتها اشاره کرد ولی در عین حال از عملکرد ۱۶ سالهٔ دولتهای قبلی در زمینه مبارزه با فساد انتقاد کرد و گفت : «این دو دولت در مسئله مبارزه با فساد و تبعیض و ایجاد فضای فرهنگی مناسب درست عمل نکردند.» سخنان لاریجانی در این مراسم و دفاع او از حقوق مردم و ضرورت مبارزه با فساد در حالی صورت می گیرد که مردم خوب از سابقه و عملکرد لاریجانی و هم فکران او آگاهند. مردم خوب می دانند که کنترل شریان های اقتصادی کشور توسط گروه های مافیایی وابسته به سران حاکمیت و غارت منابع ملی و سرازیر کردن آن به جیب معدودی از کلان سرمایه داران و «آقازاده ها»، حاصل سیاست ها و نظراتی است که لاریجانی ها و امثال او در بیست و پنج سال گذشته در میهن ما به اجراء درآورده اند. در گزارش ایسنا همچنین ذکر شده بود که: «حجت الاسلام نیازی از روحانیون اهل تسنن، با اشاره به سوابق اجرایی موفق دکتر لاریجانی، وی را از افراد برجسته علمی اخلاقی و فرهنگی نامید و افزود : دکتر لاریجانی فردی است که مقام معظم رهبری در پایان خدمت دکتر لاریجانی در صدا و سیما تاکید کردند به صدا و سیما آمدم تا از زحمات و تلاشهای بیدریغ ایشان تشکر کنم.»

در پاسخ به این ترهات کافی است اشاره کنیم که مردم ما فراموش نکرده اند که لاریجانی در زمان تصدی ریاست صدا و سیمای ارتجاع در رأس سازمانی قرار داشت که مسئولیت مستقیم سازمان دهی کارزار وسیع تبلیغاتی بر ضد جنبش مردمی و دفاع از ارتجاع و ضد مردمی ترین سیاست ها را عهده دار بود. پرونده سازی تبلیغاتی بر ضد دگراندیشان، به راه انداختن جنگ روانی بر ضد روند اصلاحات که خواست بی چون و چرای میلیون ها ایرانی به پای صندوق های رای آمده بود، و همچنین دفاع از سرکوب خشن و ضد انسانی حقوق مردم توسط مشتی مزدور چاقو کش و قمه زن از جمله «افتخاراتی» است که لاریجانی و همفکران او می توانند به آن ببالند.

در خبرها همچنان گزارش شده بود که محسن رضایی نیز کارزار تبلیغاتی خود را برای انتخابات سال ۸۴ آغاز کرده است. در برنامه یی که شبکه دوم صدا و سیما از رضایی پخش کرد، وی از جمله مدعی شده است که سیستم اقتصادی نوینی را اختراع کرده است که وی آن را سیستم «اقتصادی اجتماعی» می نامد و در این سیستم «همه مکانیزم های بازار و اقتصاد و قواعد علمی را در بر دارد که در آن مردم محور اساسی اقتصاد هستند. مردم در این نوع اقتصاد هم در بازار عوامل تولید و هم در بازار کالا و خدمات فعال هستند، و هم در بازار سرمایه نقش تعیین کننده ای دارند که طی آن نه تنها در بازار بورس، بلکه از تشکیل کارگاههای کوچک خانگی گرفته تا واحدهای صنعتی شهر و روستا و به طور کل سرمایه گذاری فراگیر و عمومی که در جامعه شکل می گیرد با تمام توان و ظرفیت ها وارد صحنه تولید و تلاش سرمایه گذاری شده و درآمد خواهند شد.» بر اساس این ادعاهای هذیان وار رضایی قرار است: «طبق این روند در دوران دولت آینده بتوانیم حداقل ۵۰ میلیون ریال سرمایه مولد برای هر خانواده به وجود آوریم که از طریق همان و مکانیسم های بازار حتی در شرایطی که خانواده ها در بیکاری به سر می برند، بتوانند از ناحیه سود سالانه و درآمدهای حاصل از این سرمایه پایه زندگی خود را اداره کنند...» و البته بدیهی است که به این ترتیب و با این فرمول بکر و صد در صد علمی و اسلامی همه مسایل مضمن کشور، مثل بیکاری و فقر، یک شبه حل خواهد شد و ده ها میلیون خانوادهٔ محروم خواهند توانست از طریق سود ۵ میلیون تومانی که دولت رضایی در اختیار آن قرار خواهد داد زندگی خود را تأمین کنند!!

در فرای این نمایشات انتخاباتی، آنچه از مجموعه خبرها روشن است این است که مرتجعان حاکم نگران «نه» قاطع مردم به خیمه شب بازی آنها و شرکت نکردن در انتخاباتی اند که نامزدهای انتخاباتی آن مزدوران و مرتجعانی همچون رضایی ها و لاریجانی ها هستند. به نظر می رسد که ارتجاع ضمن زمینه سازی برای رد صلاحیت کسانی که خطری برای آن محسوب می شوند در عین حال مترصد است که با معرفی نامزدهای بسیار منفوری همچون لاریجانی ها و رضایی ها که شانس «انتخاب» آنها در شرایط عادی نزدیک به صفر است زمینه را برای «انتخاب» فردی «معتدل تر» که در عین حال «مدیری قوی» باشد آماده می کند. مانورهای «سردار سازندگی» رژیم در این زمینه نشانگر ابعاد دیگر این خیمه شب بازی ها مرتجعان حاکم است. در این زمینه سخنان امام جمعه اورمیه به اندازه کافی گویاست که می گوید: «من کسانی را که اکنون خود را برای حضور در انتخابات آماده می کنند تخطئه نمی کنم و همه آنها محترم هستند اما همانطور که حضرت آیت الله امام خامنه ای فرمودند هیچ کس برای من هاشمی نمی شود من هم می گویم هیچ کس برای ایران هاشمی نمی شود. »

بی شک با نزدیک تر شدن مهلت رسمی ثبت نام و اعلام «صلاحیت» نامزدها از سوی شورای نگهبان ارتجاع نیروهای سیاسی - اجتماعی قادر خواهند بود که با روشنی بیشتری در زمینه این مانورهای ارتجاع نظر نهایی خود را اعلام کنند ولی آنچه از هم اکنون مسلم است آن است که مرتجعان به صحنه آمده برای انتخابات سال ۸۴ همگی مهره های از پیش افشا شده یی هستند و مردم ما خوب از سابقه و عملکرد ضد مردمی این مزدوران آگاهند. نکته دیگر آنکه تلاش ارتجاع برای برگزاری یک انتخابات فرمایشی، همچون انتخابات دوره هفتم مجلس، قطعاً با نفی محکم اکثریت قاطع مردم ما روبه رو خواهد شد و بدیهی است نتیجهٔ چنین انتخاباتی هیچگونه مشروعیتی از نظر مردم ما نیز نخواهد داشت.

ادامه مارکس از منظر ...

در روند دگرگونی هستند اما پیکارهای اجتماعی طبقات و اقشار جامعه ها ادامه خواهند داشت. احزابی که در آن هنگام پدید آمدند هنوز وجود دارند. اما در کنار آنها جنبش های اجتماعی پویای دیگری که در جامعه بسیار نفوذ دارند بوجود آمده اند. مالکیت هنوز مساله مبرم است و خود را در بی امان ترین شکل ممکن در فرآیند خصوصی سازی جهان پیرامونی نشان می دهد. مارکس از این امر آگاه بود که مالکیت خصوصی کامل همراه با بازار سرمایه داری، تنها یک قانون حاکم را می شناسد و آن حداکثر سود است و وجدان و اصول اخلاقی را برنمی تابد. بدین ترتیب، همه ی شیوه های استثمار از جمله جنگ، به کار گرفته می شوند. نولیبرالیسم مرحله کنونی سرمایه داری جهانی است بر آخرین اشکال باقی مانده پاسخگویی در برابر جامعه مانند بهداشت، آموزش، آب آشامیدنی و غیره یورش برده است. آن چه که هنوز در سطح ملی باقی مانده است در اتحادیه اروپا با قانون اساسی اش به نابودی کشانده می شود. بنابراین اگر به مالکیت که جوهر اصلی مساله است پی نبریم به نابودی خود تن در داده ایم. جهانی دیگر تنها هنگامی امکان پذیر خواهد بود که تلاش های امپریالیستی برای استثمار وحشیانه، جنگ و بیدادگری در جهان سوم را با عزمی فراگیر به چالش بطلبیم. چرا ما نباید مانند ترقی خواهان اروپا هم صدا با مارکس بگوییم که جهانی دیگر در سده بیست و یک امکان پذیر است؟ در این جهان قانون وجدان فرمان خواهد راند. ترور اقتصادی جایی نخواهد داشت. باید دنیایی باشد که بشریت از تنگ دستی اجتماعی، استثمار وحشیانه و جنگ رهایی یابد. این چیزی کمتر از چشم انداز جهان سوسیالیستی که ما برای آن باید سپاسگزار مارکس و انگلس باشیم نیست.

ادامه انقلاب های مخملی ...

وجه خودجوش نبود. اعضای سازمان جوانان «برودا» در رابطه با تاکتیک های ضروردر ماه های قبل از انتخابات در کمپ هایی در لهستان و در غرب اوکراین آموزش دیده بودند.

سئوال: برنامه های اصلی یوشچنکو متوجه چه اموری است؟

ایگور الکسیوف: سیاست ها و جهت حرکت دولت جدید در ماه ژانویه هنگامیکه لوشچنکو در جریان مذاکرات خود با «دیک چنی»، معاون رئیس جمهور آمریکا، حمایت خود از عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا را اعلام کرد، روشن تر شد.

در روز ۴ فوریه یوشچنکو، خانم یولیا تیموشنکو را به مقام نخست وزیری انتخاب کرد. خانم تیموشنکو سابقاً مدیر عامل انحصار گاز، اتحادیه سیستم های انرژی، (یونایتد انرژی سیستمز) بود. در چنین مقامی او در حال حاضر در معرض اتهام های جنایی در رابطه با رشوه دهی به یک مقام دولتی می باشد.

یوشچنکو همه توان خود را به کار گرفته است که تمامی فراکسیون های حاضر در پارلمان، به غیر از کمونیست ها، را در دولت جدید درگیر کند. تمامی این احزاب وزارت خانه هایی را در اختیار دارند. حزب سوسیالیست وزارت خانه های خصوصی سازی و کشاورزی را در کنترل دارد. تمامی نمایندگان پارلمان، به غیر از کمونیست ها، و از جمله آنهایی که قبلاً از یانوکوویچ حمایت کرده بودند، از دولت جدید حمایت کردند.

سئوال: شما از مداخلات ایالات متحده در تحولات سیاسی اوکرائین صحبت کردید. لطفاً در این رابطه برای ما بیشتر توضیح دهید؟

ایگور الکسیوف: برای مشخص شدن سطح مداخلات ایالات متحده یک مثال می زنم. در ماه ژانویه امسال (دو ماه قبل) با حمایت کمونیست ها قطعنامه ای در پارلمان مطرح شد که خواستار خروج ۱۸۰۰ نظامی اوکراین از عراق و پایان دادن به نقش اوکرائین در «ائتلاف» به رهبری آمریکا در این کشور بود. نیروهای اوکراینی در عراق متحمل تلفات شدیدی شده اند و حضورشان در درگیری های عراق شدیداً مورد مخالفت مردم است. قبل از اخذ آرا در پارلمان سفیر آمریکا که از این قطعنامه به هراس افتاده و سراسیمه شده بود، به تمامی رهبران فراکسیون ها در پارلمان شخصاً تلفن کرد و خواستار ایجاد شرایطی شد که این قطعنامه معوق بماند. با این همه قطعنامه در مرحله رای گیری در پارلمان که ۴۶۰ کرسی دارد، با کسب ۲۳۶ رای اکثریت آورد و به تصویب رسید. اما این مصوبه مهم در دو ماه گذشته از سوی دولت سرسپرده به آمریکا به ریاست جمهوری یوشچنکو، عملاً کنار گذاشته شده است.

سئوال: عکس العمل حزب کمونیست اوکرائین در مقابل این تحولات چه بوده است؟

ایگور الکسیوف: پاسخ کمونیست ها تدارک کارزار های توده ای بوده است. حزب کمونیست، «جبهه متحد چپ» را پایه گذاری کرده که در بر گیرنده سازمان های زنان، برخی از اتحادیه های کارگری، سازمان های جوانان و بازنشستگان، که همه آنان قربانیان ممکن (احتمالی) سیاست های اقتصادی نولیبرالی خواهند بود، می باشد. پلاتفرم جبهه مقاومت در مقابل عضویت اتحادیه اروپا و ناتو، خروج واحدهای نظامی اوکراین از عراق، مخالفت با خصوصی سازی و تحلیل بردن سیستم تامین اجتماعی است.

سئوال: آیا این جبهه در رابطه با امکان روابط نزدیکتر بین اوکراین و همسایگان اصلی آن و بویژه فدراسیون روسیه موضعی دارد؟

ایگور الکسیوف: در طولانی مدت و به مثابه آلترناتیوی در مقابل تحت تسلط قرار گرفتن توسط نیروهای جهان سرمایه داری، جبهه اعاده یک منطقه همکاری های اقتصادی برنامه ریزی شده با فدراسیون روسیه و بلاروس را پیش نهاد می کند. این پیمان همکاری های (اینتگراسیون) منطقه ای در صدد خواهد بود که از دارائی های صنعتی و کشاورزی این کشورها از طریق ایجاد و تکمیل ساختار هایی برپایه مکانیزم های موجود در قبل از ۱۹۹۱ ، حفاظت نماید.

سئوال: سطح روابط حزب کمونیست اوکرائین با احزاب کمونیست جمهوری های تشکیل دهنده شوروی چیست؟

ایگور الکسیوف: از دیدگاه روابط بیرونی، حزب کمونیست اوکرائین از طریق «شورای احزاب کمونیست- حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی» با شانزده حزب کمونیست کشورهایی که تشکیل دهنده اتحاد جماهیر شوروی سابق بودند، همکاری می کند. این شورا که دفتر و تشکیلاتی در مسکو دارد شامل نمایندگانی از تمام کشورهای عضو به جز کشورهای حوضه بالتیک، که فعالیت کمونیست ها در آنجا ممنوع است، می باشد.

سئوال: رفیق ایگور با توجه به تهاجم نیروهای طرفدار سرمایه داری و تثبیت کنترل آن ها بر اهرم های قدرت دولتی وظیفه کمونیست ها را چه می بینید؟

ایگور الکسیوف: ببینید «انقلاب نارنجی» یک عقب گرد جدی برای نیروهای مترقی در اوکرائین بوده است. اما این کودتای انتخاباتی با روشن تر کردن صفوف مسایل را روشنتر کرده است. «دستاورد» آن این بوده که الان همه نیروهای ارتجاعی در یکسو قرار گرفته اند. کمونیست ها وظیفه خود می دانند که در دوره پیش رویشان، با ناسیونالیسم دست راستی مخالفت کنند و برای دفاع از حقوق مردم زحمتکش و ارزش های همبستگی اجتماعی، تعاونی گرایی و سوسیالیسم کارزارهای توده ای سازمان دهند.

بدرود رفیق عبادی

رفیق یوسف عبادی، عضو پرسابقه حزب ما و یکی از فعالان مجرب جنبش کارگری- سندیکایی ایران، چندی پیش در اثر سکته مغزی در تهران در گذشت. رفیق عبادی از عنفوان جوانی به صفوف حزب توده ایران پیوست و درتمام عمر پُربار خود در راه تشکل زحمتکشان رزمید. او یکی از همرزمان زنده یاد رفیق شهید هدایت معلم و از فعالان با تجربه سندیکای فلزکار مکانیک بود.

رفیق عبادی به دلیل فداکاری و مبارزه خستگی ناپذیر در راه حقوق طبقه کارگر، همواره نماینده کارگران کارخانه جنرال الکتریک بود. محبوبیت وی در میان کارگران آنچنان بود که،در هر دو رژیم استبدادی با وجود فشار و اختناق و سرکوب، کارگران او را به عنوان نماینده راستین خود بر می گزیدند. رفیق عبادی مبارزی پیگیر،فداکار،بی ادعا و فروتن بود و در جلب تعداد چشم گیری از کارگران به صفوف حزب پس از انقلاب بهمن نقش برجسته ایفا کرد.

درگذشت این مبارز خستگی ناپذیر توده ای، ضایعه ای برای جنبش سندیکایی کارگران ایران در لحظه کنونی است. حزب توده ایران ضمن گرامیداشت خاطره جاودانه این کارگر قهرمان توده ای، همدردی خود را با خانواده،بستگان و فعالان جنبش سندیکایی ابراز می کند.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

انقلاب های «مخملی»: میوه های تلخ فساد و مداخله خارجی

مصاحبه با ایگور الکسیوف، عضو کمونیست پارلمان اوکرائین

در ملاقاتی که اخیراً به منظور تبادل نظر بین حزب توده ایران و حزب کمونیست اوکرائین برگزار شد، رفیق ایگور الکسیوف، عضو رهبری حزب برادر و نماینده پارلمان اوکرائین و از چهره های سرشناس جنبش اپوزیسیون ترقی خواه این کشور، به سئوالات نامه مردم در رابطه با تحولات ماه های اخیر این کشور پاسخ داد. اظهارات رفیق الکسیوف با توجه به شرایط حساس منطقه و بویژه رخداد های هفته گذشته در قرقیزستان اهمیت مشخصی دارند. حزب کمونیست اوکرائین که دارای ۶۵ نماینده در پارلمان این کشور است، در حال حاضر سعی دارد با سازماندهی یک جنبش توده ای در مقام پاسخ دهی در مقابل انقلاب «نارنجی» این کشور که در طی آن وابستگان غرب کنترل ارکان قدرت را به دست گرفتند، برآید.

سئوال: رفیق الکسیوف، اوکرائین در ماه های اخیر در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری در اخبار جهان مطرح بوده است. به نظر می رسد که توسل به «انقلاب مخملی» که در ماه های آذرماه و دی ماه در کشور شما و به ویژه در پایتخت، کیف، در جریان بود، اکنون به سلاح استراتژیک امپریالیسم برای تغییر جغرافیای سیاسی در مناطق حساس جهان و از جمله جمهوری های سابق اتحاد شوروی بدل شده است. لطفاً در رابطه با زمینه های شکل گیری چنین تحولاتی برای خوانندگان «نامه مردم» توضیح دهید.

ایگور الکسیوف: این به اصطلاح انقلاب «نارنجی» و یا «انقلاب مخملی» در نوامبر ۲۰۰۴ در حقیقت نتیجه فساد همه جانبه ده سال دوره ریاست جمهوری لئونید کوچما و مداخله ممتد ایالات متحده در اوضاع سیاسی کشور ما است. دوره ریاست جمهوری کوچما در حقیقت مصادف با فساد در همه سطوح، تاراج رفتن فزاینده دارائی های ملی و بحران تعمیق یابنده بیکاری و فقر بوده است. سیاست خارجی دولت کوچما بطور غیر قابل پیشگوئی از همراهی و هماهنگی با اتحادیه اروپا تا اعاده روابط با روسیه در نوسان بود.

آغاز مرحله مداخله شدید و موثر آمریکا در اوکرائین به دوره ای در سال ۲۰۰۲، هنگامیکه کوچما در جهت هماهنگی و همکاری با روسیه نظرات مساعدی را عنوان کرد، و پیشنهاد یک منطقه مشترک اقتصادی و یکپارچه کردن نهایی صنایع در سراسر اوکرائین، روسیه، بلاروس و قزاقستان را مطرح کرد، بر می گردد. ایالات متحده همیشه در روبرو شدن با هر گونه پیشنهادی در مورد یکی شدن و وحدت خیلی نگران می شود. اوکرائین با جمعیت ۵۰ میلیونی خود موقعیت محوری را بین اتحادیه اروپا و روسیه بازی می کند. در دوره دو ساله پس از آن شاهد کوشش های شدید و خستگی ناپذیر ایالات متحده برای ایجاد یک ائتلاف طرفدار آمریکا که بتواند در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۴ نقش ضرور را بازی کند، می باشیم. بازدید های متعددی برای تشویق نیروهای مدنی «دموکراتیک توسط مادلین آلبرایت، جورج بوش (پدر)، هنری کیسینجر و ریچارد آرمیتاژ، معاون وزیر خارجه پیشین، صورت گرفت. یوشچنکو، نخست وزیر طرفدار کوچما، به عنوان یک مبارز برجسته دموکراتیک اختراع» شد.

یوشچنکو در دوره نخست وزیریش عمیقاً در منجلاب دستگاه دولتی فاسد کوچما دست داشت. در سال ۲۰۰۲ او حزب سیاسی جدیدی بنام «اوکرائین ما» پایه گذاری کرد که منابع مالی



فراوانی داشت. این حزب در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ بر پایه یک پلاتفورم ضدیت با فساد و طرفداری از دموکراسی از مجموع ۴۶۰ کرسی پارلمان، صد کرسی را تصاحب کرد. برای تکمیل کردن دگرگونی، یوشچنکو دوباره ازدواج کرد، و همسر جدید او یک شهروند آمریکا و یک کارمند شورای امنیت ملی آمریکا است.

سئوال: موضع حزب کمونیست در رابطه با درگیری های دو کاندیدای عمده در دور دوم انتخابات در نوامبر و انتخابات مجدد در روز ۲۶ دسامبر چه بود؟

ایگور الکسیوف: در انتخابات کمونیست ها از حمایت هر دو طرف سرباز زدند. کاندیدای طرفدار کوچما، یانوکوویچ، بطور برابر هم خط نیروهایی بود که پس از ۱۹۹۱ کنترل سرمایه های ملی اوکراین را بدست گرفته اند، گرچه در رابطه با یانوکوویچ، او همچنین متحد سرمایه داران روسی بود که بصورت گسترده در مناطق شرقی اوکرائین سرمایه گذاری کرده اند. این را باید اذعان داشت که نقض قوانین انتخاباتی بطور یکسان از سوی هر دو طرف انجام گرفت. کمونیست ها پس از انجام انتخابات نوامبر عمیقاً از تاکتیک های جناح طرفدار آمریکا و آمادگی آنان برای استفاده از فشار های فرا قانونی نگران شدند. این به اصطلاح «انقلاب نارنجی» ۲۱ نوامبر بطور بسیار دقیق از قبل تدارک شده بود. مشخصه های آن شووینیستی و ارتجاعی بود و فعالیت های خیابانی به هیچ

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

به یاد سرگرد شهید نیروی هوائی صابر ظفر حیدری

همافر از لندن ۵۰ پوند

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. http://www.tudehpartyiran.org

29 March 2005

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
۰۰ – ۴۹ – ۳۰ – ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:
نام IRAN e.V.
شمارهٔ حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse

Nameh Mardom-NO 709
Central Organ of the Tudeh Party of Iran